

جامعه حسابداران رسمی ایران؛ هنوز دیر نیست!

✍ دکتر جواد بستانیان

پیشگفتار

حرفه حسابرسی یکی از شغل‌های پرمسئولیت، پراضطراب و پرمخاطره است که ضمن آنکه فشار زیادی بر جسم و روح اعضای شاغل در این حرفه وارد می‌کند، انتظارهای زیادی نیز از آن وجود دارد. در فضای پرتلاطم اقتصادی و اخلاقی، اعضای این حرفه تنش‌های زیادی را تجربه می‌کنند. در دوران شکوفایی اختلاس، ارتشا، قانون‌گریزی، بی‌اخلاقی، تقلب، ابهام و ویرانگری که اشخاص بسیاری در ایجاد آن مشارکت دارند، یکی از اولین قربانیان، حساب‌برسان هستند. این گروه از جامعه عمومی کشور که به جرأت می‌توان آن‌ها را جزو سالم‌ترین اقشار اقتصادی طبقه‌بندی کرد، به‌تنهایی تاوان نبود دانش، درستکاری و اخلاق را در واحدهای اقتصادی می‌پردازند. اگر در شرکتی سوء‌جریانی وجود داشته باشد، اگر ابهام دامنه‌داری در جریان عادی امور اقتصادی کشور رخ دهد (نمونه‌ای از آن مشخص نشدن نرخ خرید و فروش نفت خام و فرآورده‌ها در پالایشگاه‌هاست)، اگر زیانی اقتصادی به افراد جامعه وارد شود، اولین قربانی نه مسببان آن شرایط، بلکه حساب‌برسان هستند. هنگام نوشتن این مقاله این موضوع در برابرم مجسم بود که ممکن است از این نوشته، شائبه فراوانی ایراد و اشکال در رفتار حساب‌برسان پدید آید. بنابراین یادآوری می‌کنم که چنین گمانی ندارم و چون ایده‌آلیست‌ها، بر این باورم که هر شخص، گروه و مردمی، مسئول کارهای خویش است و در جهان برای امتیاز دادن به انسان‌ها، آن‌ها را با دیگران مقایسه نمی‌کنند.



ایران در کارگروه کنترل کیفیت جامعه تهیه شد تا ضمن تعریف رتبه‌های کارکنان شاغل در حرفه حسابرسی، شرح وظایف و شرایط احراز هر رتبه را مشخص کند. این آیین‌نامه به این منظور تدوین شد که مؤسسه‌های حسابرسی به‌دولتخواه و با معیارهای متفاوت سمت کارکنان را تعیین نکنند. با اینکه فرایند بررسی در شورای عالی منجر به تعدیلهای نامساعدی شد که یکی از آن‌ها کاهش نسبت شریک به مجموع کارکنان بود که از ده نفر به ازای هر شریک به بیست نفر افزایش یافت، با تصویب این آیین‌نامه از سوی وزیر امور اقتصادی و دارایی در بهمن‌ماه ۱۳۸۲ و تصویب دستورعمل اجرایی آن به‌وسیله شورای عالی، شرایط حفظ ترکیبی مناسب برای کارکنان مؤسسه‌ها مشخص شد. این فرایند با آزمون رتبه‌های مختلف حرفه‌ای که بعدها از سوی جامعه برگزار شد، کامل شد.

تهدیدهای آیین‌نامه سقف مجاز ارائه خدمات تخصصی و حرفه‌ای

این مجموعه مقررات که گام بسیار بلندی برای ارتقای حرفه حسابرسی به‌شمار می‌آید، با دو آفت روبه‌رو است که انتظار می‌رود جامعه حسابداران رسمی ایران برای برطرف کردن آن‌ها بکوشد.

اول؛ تناسب آزمون برای هر دوره و گوناگونی سؤال‌ها و تمرکز بر دانستنی‌هایی است که برای رتبه مورد آزمون مورد نیاز است. به‌عنوان نمونه برای شرکت‌کنندگان در آزمون رتبه حسابرس ارشد، دانستن استانداردهای حسابداری در موضوع‌های عمومی و دانستن استانداردهای حسابرسی

مبانی

جامعه حسابداران رسمی ایران بر پایه تبصره ۲ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی و نظارت حرفه‌ای بر کار حسابداران رسمی مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۱ و اصلاحیه مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۱۷ به‌صورت مؤسسه‌ای غیردولتی، غیرانتفاعی و دارای استقلال مالی و شخصیت حقوقی مستقل تشکیل شده است. به علت آنکه طبق آن تبصره، اساسنامه جامعه باید از سوی هیئت مؤسس تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسید، اساسنامه نخستین پس از کشمکش زیاد و ظرف هشت سال از دالان دیوان‌سالاری گذشت و جامعه در سال ۱۳۸۰ تشکیل شد. در ابتدای راه‌اندازی جامعه، تلاش زیاد و بینش راهگشا، ثمره‌های شایسته‌ای به بار آورد که حاصل آن بالا رفتن جایگاه و سطح کیفیت حسابرسی بود. آیین‌نامه‌ها و دستورعمل‌هایی که تهیه شد، همه در جهت بالابردن کیفیت و پرهیز از رفتار ناشایست بود.

آیین‌نامه سقف مجاز ارائه خدمات تخصصی و حرفه‌ای از سوی اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران

به‌عنوان نمونه مشاهده شد که در بسیاری از مؤسسه‌ها، ویژگی‌های کارکنان واجد شرایط رتبه‌های حسابرسی، مشخص نشده بود و به‌عنوان مثال دانشجویان مقطع دانشگاهی کارشناسی ارشد را که کمتر از یک سال تجربه کار حسابرسی داشتند، به‌عنوان حسابرس ارشد شناسایی کرده بودند. به همین منظور آیین‌نامه سقف مجاز ارائه خدمات تخصصی و حرفه‌ای از سوی اعضای جامعه حسابداران رسمی



چون ایده‌آلیست‌ها

براین باورم که هر شخص و گروه و مردمی

مسئول کارهای خویش است و در جهان

برای امتیاز دادن به انسان‌ها

آن‌ها را با دیگران مقایسه نمی‌کنند

بیشتر حسابداران رسمی نیز هنگام برخورد با موضوع‌های خاص، به متن استاندارد مراجعه می‌کنند و همه استانداردها را به‌طور کامل در حافظه ندارند و فقط نشانی موضوع‌های فراوانی کمتر را دارند، یا به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، متن گزارش حسابرس را از حفظ نمی‌دانند.

دوم؛ در حال حاضر سازمان بورس و اوراق بهادار در همین زمینه برای مؤسسه‌های حسابرسی شرط اضافی تعیین کرده که دارا بودن کارکنان با سابقه بیش از دو سال به‌میزان دستکم چهل درصد کارکنان است و رعایت نکردن حد نصاب یادشده را تخلف محسوب کرده است. افزون بر آنکه تخلف محسوب کردن یک وضعیت که ممکن است به‌طور کامل خارج از اختیار مؤسسه‌ها باشد، غیرمعقول است و این مقررات در طول زمان ممکن است به تراکم حساب‌رسان بی‌انگیزه و با بهره‌هوشی کم منجر شود. اگرچه مؤسسه‌های حسابرسی به از دست دادن کارکنان خود راضی نمی‌شوند، ولی تأکید بر این موضوع و تخلف محسوب کردن به هم خوردن نسبت، باعث آن می‌شود که مؤسسه‌ها در طرد کارکنان بی‌علاقه، بی‌توجه یا خاطی رویه محافظه‌کاری را در پیش گیرند و جایی برای کارکنان جدید باعلاقه، دارای بهره‌هوشی بالاتر و انگیزه بیشتر، باز نشود.

آیین‌نامه نظارت حرفه‌ای

آیین‌نامه نظارت حرفه‌ای به‌وسیله کارگروه کنترل کیفیت جامعه تهیه شد و پس از آنکه در تیرماه ۱۳۸۳ به تأیید شورای عالی رسید، در مردادماه همان سال به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی رسید. طبق مفاد آیین‌نامه نامبرده، هدف از نظارت حرفه‌ای به شرح زیر شمرده شد:

الف- افزایش کیفیت خدمات حرفه‌ای اعضا و گزارش‌های صادرشده از سوی آنان،

ب- هماهنگی در روش‌های انجام امور حسابرسی و بازرسی قانونی،

ج- پیشگیری از رفتار ناسازگار با شئون حرفه‌ای مندرج در آیین‌رفتار حرفه‌ای مصوب، و

د- رعایت استانداردهای حسابرسی، قوانین و مقررات، مفاد اساسنامه جامعه حسابداران رسمی و آیین‌نامه‌ها و دستورعمل‌های اجرایی مربوط.

در سطح نیازهای اجرایی معمول حسابرسی لازم است؛ ولی تسلط به استانداردهای حسابداری خاص، یعنی استانداردهایی که ممکن است در کمتر از ده درصد کارهای حسابرسی کاربرد داشته باشد یا استانداردهای گزارشگری حسابرسی و استانداردهای حسابرسی که در شرایط ویژه موضوعیت پیدا می‌کند، نباید در آزمون رتبه حسابرس ارشد مطرح شود. در آزمون سرپرست حسابرسی دانستن مفاهیم کلی همه استانداردها و آشنایی با آنها ضروری است و بنابراین آزمون‌شوندگان باید بتوانند به این‌گونه پرسش‌ها پاسخ دهند؛ ولی نیازی به از حفظ داشتن موارد استثنایی مانند تداوم فعالیت یا جزئیات گزارشگری حسابرسی ندارند. به‌طور خلاصه پرسش‌های آزمون‌ها باید آنچنان باشد که انتظاری که از شرکت‌کنندگان در آزمون وجود دارد، برآورده شود و بیشتر روی آنچه فراوانی بیشتری دارد، تکیه شود. در نتیجه باید برای آزمون رتبه‌ها از پرسش‌های طبقه‌بندی‌شده‌ای بهره‌گرفت که برای هر رتبه لازم است. واقعیت آن است که

حساب‌رسان

که به جرأت می‌توان آنها را جزو

سالم‌ترین اقشار اقتصادی طبقه‌بندی کرد

به تنهایی تاوان نبود دانش

درستکاری و اخلاق را

در واحدهای اقتصادی

می‌پردازند



**باید شرایطی فراهم کرد که
نظارت بر کار حسابرسان
در جامعه حسابداران رسمی ایران
تمرکز یابد و
جامعه باید از ورود به
موضوعهای غیر حرفه‌ای خارج شود**



که نهادهای دولتی با وجود امکان محدود کردن نفوذ و توانایی جامعه، بخشی از اختیارهای خود را به این نهاد مدنی واگذار کرده بودند، سعی زیادی در توجیه کار آغاز شده کردند و مدام توضیح می‌دادند که اگر نظارت قوی و مؤثری بر کار حسابرسان انجام نشود، دولت و مسئولان دولتی به نظارت جامعه حسابداران رسمی اعتماد نمی‌کنند و نظارت از سوی اشخاص و نهادهایی خارج از مجموعه نهاد مدنی جامعه حسابداران رسمی و احتمالاً خارج از چارچوب حرفه‌ای انجام خواهد شد. اشخاصی که خود را سخنگوی اعضای جامعه می‌پنداشتند، به جای تلاش برای ارتقای کیفیت، با هیاهوی فریبکارانه به سمپاشی پرداختند و بدین‌گونه چند سال را پشت سر گذاشتند. در نتیجه نظارت کم‌اثر، ناقص و بدون پشتوانه، موجب آن شد که نهادهای نظارتی خارج از مجموعه نهاد مدنی جامعه حسابداران رسمی به موضوع نظارت وارد شوند.

حتی در جایی که استفاده‌کنندگان عمده از خدمات جامعه، اطلاعاتی درباره صلاحیت‌ها و توانایی‌های مؤسسه‌ها درخواست می‌کردند، و منظور آن‌ها از این پرسش اطلاعات مربوط به کیفیت مؤسسه‌ها یا اطلاعات مربوط به امکانات آن‌ها بود، جامعه با کلی‌گویی، توانایی مؤسسه‌ها را به داشتن دفاتر در مناطق مختلف کشور، تنوع خدماتی که ارائه می‌کردند و امثال آن وابسته نشان می‌داد و به‌طور کلی منکر تفاوت کیفیت می‌شد.

این سرگردانی که برای استفاده‌کنندگان و متقاضیان (صاحبکاران) پیش آمد، موضوع به نهادهای نظارتی عمومی ارجاع شد و انکار جامعه حسابداران ره به جایی نبرد و به این

برای دستیابی به هدف‌های بالا، به‌منظور کسب اطمینان از وجود فرایند مناسب و قابل قبول بودن فرایند انجام خدمات حسابرسی، کنترل کیفیت در سطح مؤسسه و برای کسب اطمینان از گردآوری و ارزیابی شواهد کافی و مناسب، کنترل کیفیت در سطح کار حسابرسی پیش‌بینی شد تا مبنایی برای ارزیابی به‌دست آید.

پس از فراهم شدن بسترهای لازم و تدوین مقررات و دستورعمل‌ها، نظارت حرفه‌ای بر کار حسابرسان که اساسی‌ترین وظیفه جامعه به شمار می‌رفت، از سوی کارگروه کنترل کیفیت آغاز شد.

با شروع کار کنترل کیفیت، حمله‌های گوناگونی از طرف برخی از مؤسسه‌ها و به‌خصوص بعضی از اعضای شورای عالی شروع شد تا از نظارتی که به آن عادت نداشتند، جلوگیری شود و یا آن را مخدوش کنند. جنجال آفرینانی در عرصه ظهور کردند که همه زمان و انرژی را در راه موضوعهای کم‌اهمیت تلف کردند و مدام با جنجال‌های دروغین به همکاران پیام دادند که پشتیبان آنان هستند. برخی از اعضا، کار کنترل کیفیت را که در مراجعه به مؤسسه‌ها براساس چک‌لیست مشخصی که دربرگیرنده امتیاز براساس میزان رعایت الزامهای حاکم بر کار حسابرسی بود، کاغذبازی نامیدند. در جایی نتایج کنترل کیفیت را جزو اطلاعات محرمانه جامعه تلقی کردند و به شیوه‌های گوناگون در کاری که با اصول درست، براساس استانداردهای حسابرسی و مقررات حاکم آغاز شده بود، اختلال کردند.

از طرف دیگر، عده‌ای که ضرورت این نظارت را برای اعتمادسازی نزد مسئولان کشور درک می‌کردند و می‌دانستند

ترتیب در دولت پیشین، با اصلاح اساسنامه از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی «نظارت بر فعالیت حرفه‌ای اعضای جامعه حساب مورد با ارجاع وزیر امور اقتصادی و دارایی یا شورای عالی جامعه یا به تشخیص هیئت عالی نظارت» به وظایف پیشین هیئت عالی نظارت افزوده شد و نهادی سایه و موازی برای مجموعه فعالیت‌های جامعه حسابداران رسمی که در اصل نظارت بر فعالیت حرفه‌ای حسابداران رسمی بود، ایجاد شد. لازم به یادآوری است که طبق مفاد اساسنامه اصلاحی، تمام مخارج هیئت عالی نظارت که طبق اساسنامه جدید شامل حقوق و مزایای اعضای هیئت، مطابق حقوق و مزایای هیئت مدیره جامعه، مخارج کارکنان نظارت هیئت عالی نظارت و حق الزحمه‌ای که برای استفاده از خدمات کارشناسان پرداخت می‌شود، به عهده جامعه حسابداران رسمی قرار دارد. مشاهده می‌شود که رفتار و گفتار مردم فریبان نه تنها سودی برای فریب‌خوردگان نداشته، زیان معنوی و مادی هم برای آنان به بار آورده است. یعنی چنانچه بدون هوچی‌گری و فریب

اعضا مبنی بر اینکه نظارت برای آنان زیانبار است، روند آرام و سالمی که آغاز شده بود، ادامه می‌یافت و حسابداران رسمی در این زمینه همکاری کامل می‌کردند و خود مشتاق رفع ایرادها و اشکال‌ها بودند، هم خود وجهه مقبولی به دست می‌آوردند و هم مسئولان کشور به آن‌ها اعتماد می‌کردند و انتظارهایشان مبنی بر رعایت اخلاق و رفتار حرفه‌ای و دستیابی به گزارش‌های اطمینان‌بخش، برآورده می‌شد و هم هیئت عالی نظارت مانند دوره‌های اولیه به صورت غیرموظف به بررسی کلی و نظارت بر اقدام‌های جامعه بسنده می‌کرد؛ نه آنچنان که نظارت‌های چندلایه و نظارت بر ناظران آن هم با این وسعت، جریان یابد. سازمان بورس و اوراق بهادار نیز در وضعیت آشفته‌ای که به وجود آمد، پایگاه دیگری برای نظارت بر کار حساب‌برسان شد و تشکیلاتی موازی با تشکیلات نظارتی جامعه حسابداران رسمی که خود ناشی از قانون می‌باشد، راه‌اندازی کرده است. خبرهای دیگری نیز شنیده می‌شود که حاکی از نظارت سازمان بازرسی کل کشور و دیگر نهادهای نظارتی است.

تمرکز نظارت در جامعه حسابداران رسمی

هنوز دیر نشده است. باید شرایطی فراهم کرد که نظارت بر کار حساب‌برسان در جامعه حسابداران رسمی ایران تمرکز یابد. در حال حاضر لازم است ابتدا جامعه حسابداران رسمی به هدف‌های اصیل بازگردد و با نظارت منسجم و همه‌جانبه و رفتار مستقل و بی‌طرفانه جایگاه اصلی و حقیقی خود را باز یابد و پس از ایجاد آرامش در جامعه و جلب اعتماد ذینفعان به تدریج نظارت‌های دیگر را از میان بردارد و تمام نیروی خود و نیروهای دیگر را که در زیر پرچم سازمان‌های دیگر به کار مشابه مشغولند، برای اعتلای حرفه به‌کار گیرد و نظارت را یگانه کند. به این ترتیب هرکس مدعی کوتاهی یا تقصیر حسابداران رسمی است، موضوع را به جامعه حسابداران رسمی گزارش کرده و جامعه با دقت و مراقبت همه‌جانبه به بررسی حرفه‌ای موضوع پرداخته و نتیجه‌گیری خود را صادر کند.

آموزش و راهنمایی

استانداردهای حسابداری و حسابرسی و قوانین و مقررات به‌طور مستمر تغییر می‌کنند و موضوع‌های جدید نیز به وجود می‌آیند.

جامعه باید درباره دشواریهایی که

در حوزه حسابرسی ایجاد می‌شود

به نمایندگی از

کل حرفه حسابرسی

بررسی و

اظهار نظر کند



**در حال حاضر لازم است ابتدا
جامعه حسابداران رسمی
به هدفهای اصیل بازگردد و با نظارت منسجم و همه‌جانبه
و رفتار مستقل و بی‌طرفانه
جایگاه اصلی و حقیقی خود را باز یابد**



موفقیت در آزمون، کسب تجربه و گذراندن سلسله مراتب کار در رده‌های مختلف را ندارند، به آنچه خود به آن ایراد دارد، می‌افزاید که این به‌طور کامل برخلاف رفتارهای دیگرشان نسبت به جامعه است.

به‌طور خلاصه هنگامی که کسانی که دانش لازم و تجربه کافی در حسابرسی همراه با رعایت سلسله مراتب را داشته‌اند، نتیجه کارشان مورد رضایت مقامهای دولت نیست، چگونه ممکن است اشخاصی که دانش و تجربه لازم را ندارند، بتوانند به این جریان بهبود بیخشند. می‌شود گفت که این‌گونه ورودها موجد یا مکمل نابه‌سامانی در میان حسابداران رسمی است.

تبدیل اعضای غیرشاغل به شاغل بدون رعایت سلسله مراتب کنترلی خاص، شبیه به گونه‌ای رانت است. در حال حاضر کسی که به‌درستی یا به‌غلط در زمانی حسابدار رسمی شده است، ولی سال‌ها از اشتغال به کار حسابرسی دور بوده، می‌تواند با اعلام به جامعه، به حسابدار رسمی شاغل تبدیل شود و به‌طور مثال به‌عنوان شریک یک مؤسسه حسابرسی به کار مشغول شود؛ در حالی که ممکن است تاکنون در حرفه حسابرسی کار نکرده باشد یا زمانی دراز از ترک حرفه حسابرسی از سوی او گذشته باشد.

اگر خواستار حرفه حسابرسی سالم و درخور اعتماد هستیم، لازم است کسانی که به این ترتیب می‌خواهند دوباره مشغول به کار حسابرسی شوند، مانند دیگران در آزمون ورودی شرکت کنند. به‌هر حال هرگونه استثنا حتی در مورد فارغ‌التحصیلان دوره‌های عالی در آزمون ورودی موجب اختلال در کیفیت حسابداران رسمی است. اگر آن افراد به دلیل دانشی که دارند

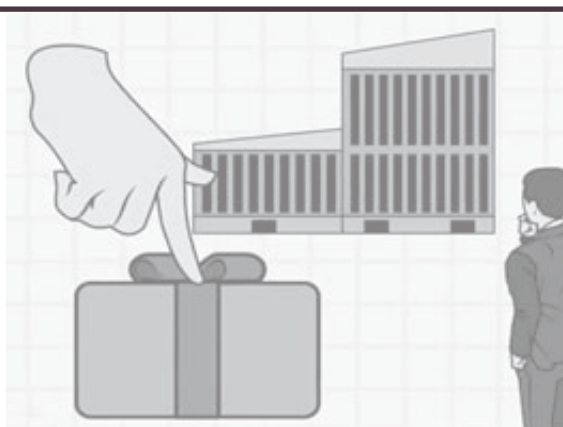
انتظار این است که جامعه حسابداران رسمی ایران به جای بخشی از تلاشی که برای نظارت می‌کند، تغییرات را به روشنی به اعضای خود منتقل کند و با برگزاری کلاس‌های آموزشی، موضوع تغییر و چگونگی به‌کارگیری آن را در کار عملی حرفه‌ای آنان به‌وسیله اشخاصی که خود بر آن موضوع مسلط هستند و با ارائه نمونه آن‌هم نه فقط در مورد شرایط ساده که در مورد شرایط پیچیده، به حسابداران رسمی آموزش دهد.

نکته دیگری که در این زمینه اهمیت دارد، هماهنگی اعضا در درک و برداشت از استانداردها و قوانین و مقررات است. اگر جامعه در برابر پرسش‌های اعضا، تلاش در خور توجهی در بررسی کامل و ارائه پاسخ کرده و پاسخ را نه به پرسش‌کننده که به همه اعضا و به‌صورت عمومی (به‌عنوان نمونه از راه درج منظم در مجله حسابدار رسمی) اطلاع‌رسانی کند، درک مشترکی در مورد موضوع‌های مختلف میان اعضا و دیگر اشخاص پیوسته با حرفه حسابداری ایجاد خواهد شد. در این صورت، میزان تقصیر و کوتاهی به مراتب کمتر می‌شود.

ابراز مخالفت و ایستادگی در برابر پذیرش اعضا با رانت‌های خاص


یکی از ناهنجاری‌های جامعه حسابداران رسمی ایران، پذیرش برخی از اعضا با رانت دولت است. جالب آنکه دولت و به‌خصوص وزارت امور اقتصادی و دارایی که از نتیجه کار حسابداران رسمی رضایت نداشته‌اند و بر همین پایه به‌تدریج اختیارهای جامعه محدود شده است، خود هر از گاهی عده‌ای از اشخاص را که صلاحیت پایه‌ای کار حسابرسی از جمله

**حسابرسان باید
الزامات آیین رفتار حرفه‌ای
و از جمله صلاحیت
استقلال
درستکاری و بی طرفی را رعایت کنند**



حسابرسان پس از چهار سال و مزایا و معایب آن باید به وسیله جامعه بررسی، تحلیل، نظرخواهی و جمع‌بندی شود و سپس با استدلال، سازمان بورس و اوراق بهادار را با نتیجه بررسی هماهنگ و هم‌نظر کند. در این‌گونه موارد و موارد مشابه که ممکن است در سرنوشت حرفه مؤثر باشد، مؤسسه‌های حسابرسی نباید یک به یک با سازمان بورس یا تشکیلات مشابه آن روبه‌رو شوند و درباره هر موضوعی به تنهایی گفتگو کنند.

خروج از موضوعهای غیر حرفه‌ای

به جای آن همه دستور کار پیشنهادی، تأکید می‌شود که جامعه از ورود به موضوعهای غیر حرفه‌ای خارج شود. توسعه بازار کار حسابرسی، تعیین شرایط مشارکت، داوری در مورد اختلافات مالی شرکا، سرقتی و نظایر آن باید حسب مورد براساس توافق‌ها و شرایط ویژه به وسیله شرکا و طرف‌های آنان یا مقامهای قضایی بررسی شود. حتی در مقررات فعلی اجازه ورود جامعه به این مسائل را به دشواری می‌توان یافت. یادآوری می‌شود که طبق ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی، مؤسسه‌های حسابرسی جامعه صلاحیت داوری و حل و فصل اختلاف‌های حرفه‌ای را دارند؛ نه اختلاف‌های مالی. این در حالیکه اینک آنها از حدود وظایف خود خارج شده و در موضوعها و اختلاف‌های مالی و اداری بین مؤسسه‌ها هم اظهار نظر می‌کنند. هرگونه ورود به این موضوعها موجب کسر شأن جامعه به عنوان مسئول نظارت حرفه‌ای و مخل مبانی بی‌طرفی است. 

از آزمون معاف می‌شوند، باید بتوانند در آزمون ورودی موفق شوند وگرنه شایستگی عنوان حسابدار رسمی را ندارند.

احترام به قضاوت حرفه‌ای حسابرسان

حسابرسان باید الزام‌های آیین رفتار حرفه‌ای از جمله صلاحیت، استقلال، درستکاری و بی طرفی را رعایت کنند. با توجه به اینکه استانداردهای حسابرسی پر از ارجاع به قضاوت حرفه‌ای حسابرس است، حسابرسانی که الزام‌های پیش‌گفته را رعایت کرده‌اند، استدلال کافی برای قضاوت خود دارند و قضاوت آنان برخلاف متن استاندارد نیست، نباید برای قضاوت حرفه‌ای‌شان ملامت شوند. حتی اگر قضاوت حرفه‌ای یک حسابرس در موردی برخلاف نظر یک اکثریت باشد، با فرض اینکه صلاحیت لازم را دارد، باید مورد پذیرش قرار گیرد. در ضمن اگر نظر اکثریت متفاوت است، باید موضوع مورد بررسی همه‌جانبه قرار گیرد و ابهام یافت‌شده، رفع شود تا دیگران از نتیجه آن مورد استفاده کنند.

تنظیم امور و اعتلای حرفه

جامعه باید درباره دشواریهایی که در حوزه حسابرسی ایجاد می‌شود، به نمایندگی از کل حرفه حسابرسی بررسی و اظهار نظر کند.

به عنوان نمونه، موضوع ماندگاری کارکنان حسابرسی و اینکه ماندگاری عنصری مفید است یا می‌تواند زیان‌بار باشد، امتیازبندی و عوامل مؤثر بر آن، موضوع چرخش اجباری